

نقدی بر اصول و روش‌های پژوهش کیفی

• دکتر ابراهیم افشارزنجانی*

استادیار گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه اصفهان

آموزشی دانشگاه‌ها تولید می‌شود و در آنها نظریه‌ها و مدل‌های از پیش پرداخته چه‌بسا برای چند دهمین بار به آزمون گذاشته می‌شود. در حالی که بسیاری از همین دانشگاهیان در حرف روش‌های تحقیق کیفی را رد نمی‌کنند.

اینک دو سه دهه است که رویکرد به تحقیقات اجتماعی و انسانی در بسیاری از دانشگاه‌های برتر دنیا تغییر کرده است. در این دانشگاه‌ها به دنبال انتقاد از محدودیت‌های روش‌شناسی کمی، روش‌شناسی موسوم به کیفی پس از چند دهه فترت احیا شده است و در بسیاری از پایان‌نامه‌ها و طرح‌های پژوهشی به کار گرفته می‌شود و کتاب‌های روش تحقیق کیفی به‌طور گسترده مطالعه و از آنها استفاده می‌شود.

در مقایسه، در کشور ما رویکرد به ادبیات پژوهش‌های کیفی پدیده‌ای نوظهور است و حاکی از آگاهی بخش‌هایی از جامعه پژوهشی کشور از محدودیت‌های پژوهش‌های کمی است. این آگاهی، کم‌وبیش، مانند تحولات فکری جامعه تحصیل‌کرده ایرانی، متأثر و چه‌بسا به تقلید از غرب است. اما به هر حال باید آن را به فال نیک گرفت. اقبال به روش‌شناسی پژوهش کیفی، رویداد خجسته‌ای است و این امیدواری را به‌وجود می‌آورد که پایان‌نامه‌های دانشجویی در آینده از تکرار قالب‌های پیش‌پرداخته فراتر روند.

فهرست برخط (آنلاین) کتابخانه ملی به‌خوبی سطح اقبال جاری به روش‌شناسی کیفی را لااقل در سطح حرف نشان می‌دهد. با جست‌وجوی عبارت «پژوهش کیفی» در فهرست برخط کتابخانه ملی، به‌جز کتاب حاضر، ۲۴ عنوان نشان داده می‌شود که به‌صراحت در موضوع روش‌شناسی



■ حریری، نجلا. اصول و روش‌های پژوهش کیفی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۸۵، ل، ۳۷۲ ص، شابک: x-۳۴۹-۵۴۰-۹۶۴

آشناساختن و از آن مهم‌تر، آموزش نحوه به‌کارگیری روش‌های تحقیق کیفی خدمتی به‌موقع به دانشجویان و محققان مطالعات اجتماعی و انسانی در زبان فارسی است، زیرا در محافل دانشگاهی ما در رشته‌های علوم اجتماعی و انسانی، نظیر روان‌شناسی، آموزش و پرورش، و البته کتابداری و اطلاع‌رسانی در عمل به‌ندرت پیش می‌آید که روشی جز روش‌های تحقیق کمی را به‌کار گیرند. شاهد آن انبوه پایان‌نامه‌های تحصیلی است که هر ساله در گروه‌های



آشناساختن و از آن
مهم‌تر، آموزش نحوه
به‌کارگیری روش‌های
تحقیق کیفی خدمتی
به‌موقع به دانشجویان
و محققان مطالعات
اجتماعی و انسانی در
زبان فارسی است

ترجمه‌های بسیاری از استادان این رشته وجود ندارد. کتاب اصول و روش‌های پژوهش کیفی در شش فصل تدوین شده است. فصل یکم به تعریف ویژگی‌های پژوهش کیفی و پژوهشگر کیفی و اخلاقیات وی و مبانی فلسفی پژوهش کیفی و بحثی در دفاع از مناسب بودن پژوهش کیفی برای کتابداری و اطلاع‌رسانی اختصاص دارد. فصل دوم به ظرایف مربوط به طرح‌ریزی پژوهش کیفی پرداخته و تفاوت‌های آن را با پژوهش‌های کمی می‌نماید. فصل سوم راهبردها یا استراتژی‌های پژوهش کیفی را معرفی می‌کند. در این فصل درباره مطالعه موردی^۲، قوم‌نگاری^۳، روش‌شناسی قوم‌شناختی^۴، پدیدارشناسی^۵، نظریه زمینه‌ای^۶، اقدام‌پژوهی^۷ و پژوهش تاریخی به‌عنوان انواع، یا به‌سخن مؤلف راهبردهای پژوهش کیفی سخن رفته است.

فصل چهارم به روش‌های گردآوری داده‌ها اختصاص دارد. در این فصل درباره مصاحبه، مشاهده، اسناد و مدارک، گزارش‌های افراد از تجربه‌ها و رویدادها و نیز عکس و فیلم به‌عنوان منابع تولید یا استخراج داده در پژوهش‌های کیفی معرفی و طرز اجرای آنها بحث شده است. فصل پنجم به تحلیل اختصاص دارد یکی از مباحث مهم این فصل مبحث رمزگذاری یا کدگذاری است که طی آن سه نوع کدگذاری نظری، مضمونی و تحلیل محتوا معرفی شده است. تحلیل

پژوهش کیفی‌اند. از این میان ۱۳ عنوان به معرفی روش پژوهش کیفی به‌طور عام و ۱۲ عنوان به معرفی این روش برای رشته‌های مختلف نظیر پرستاری، مدیریت، پزشکی، جغرافیا، محیط زیست و مانند اینها اختصاص دارند. همچنین از میان آثار تنها دو عنوان پیش از ۱۳۸۰، آن هم سال‌های ۱۳۷۷ و ۱۳۷۹، منتشر شده‌اند. مابقی آثار مربوط به سال‌های ۱۳۸۰ می‌باشند و ۱۵ عنوان آنها مگر سال انتشار ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۷ را بر خود دارند. از میان این ۲۵ عنوان هفت عنوان ترجمه و بقیه تألیف هستند.

کتاب حاضر به‌قلم یک دانش‌آموخته رشته کتابداری تألیف شده است. نجلا حریری در موضوع روش تحقیق کار کرده است. از او پیش این ترجمه موفق از ویرایش دوم کتاب مبانی پژوهش در کتابداری و اطلاع‌رسانی نوشته رونالد پاول (تهران، ۱۳۷۹) منتشر شده بود. ترجمه او از مقاله جان باد^۱ با عنوان «مبانی معرفت‌شناختی کتابداری و اطلاع‌رسانی» در مجموعه‌ای با عنوان مبانی و تاریخچه و فلسفه علم اطلاع‌رسانی: گزیده مقالات (تهران، ۱۳۸۱، ص ۳۱۷-۳۴۹)، در میان سایر ترجمه‌های کمتر رسا و گاه نارسای همین مجموعه، می‌درخشد. والاترین تحسینی که از ترجمه‌های او می‌توان کرد این است که دانشجویان کارشناسی ارشد می‌توانند آنها را بخوانند و بفهمند. این خاصیتی است که در

**نوشتن کتابی در معرفی
روش‌شناسی و روش‌های پژوهش
کیفی برای مخاطبانی ناآشنا و
چه بسا مشکوک به روش‌شناسی
کیفی، کاری دشوار تلقی می‌شود**



باشد» (پیشگفتار، ص هـ).

این سخن احتیاط‌آمیز واقع‌بینی قابل تحسین نویسنده را دربارهٔ اثر خود می‌رساند. سؤال مقدر آن است که این کتاب برای کدام گروه از پژوهشگران مفید است و آنان چه نوع استفاده‌ای از این کتاب می‌توانند داشته باشند؟ در ادامه خواهیم کوشید به این سؤال پاسخ بدهیم.

در خلق هر متنی نویسنده علاوه بر چالش تهیهٔ متنی متوازن و متناظر با عنوان (= آنچه در عنوان اثرش وعده داده است)، با چالش دیگری نیز روبه‌روست. این چالش دوم، به‌دست‌دادن متنی منسجم، یکپارچه، و آسان‌خوان است. به این جنبه از کار، با مسامحه، زبان و بیان مناسب می‌گوییم. دانشمندان متقدم در علم معانی و بیان به آن حُسن تألیف می‌گفتند. به بیان خیلی ساده، چالش اول به «چه گفتن» و چالش دوم به «چگونه گفتن» مربوط می‌شود.

نوشتن کتابی در معرفی روش‌شناسی و روش‌های پژوهش کیفی برای مخاطبانی ناآشنا و چه بسا مشکوک به روش‌شناسی کیفی، کاری دشوار تلقی می‌شود. آیا خانم دکتر حریری توانسته است از پس این دشواری برآید؟ پاسخ به این سؤال را با نقل یک پاره از متن آغاز می‌کنم: «پژوهش کیفی مستقیماً و به‌طور مستمر، فرایندهای زمینه‌ای و بنیادی سلسله وقایع و موقعیت‌های مختلف را در توالی زمانی آنها در نظر می‌گیرد و نشان می‌دهد که این وقایع و موقعیت‌ها چگونه به نتایج ویژه‌ای منجر می‌شوند و بدین ترتیب فرضیه‌های جایگزین، کنار گذاشته می‌شوند و نه تنها وقوع پدیده‌ها، بلکه چگونگی و چرایی آنها نیز ادراک می‌شود» (هربرمن و مایلز، ۱۹۹۴، ص ۴۳۴). «اگرچه در بیشتر موارد، بهترین روش برای مطالعات علی، پژوهش تجربی است، به‌لحاظ اصولی در استفاده از روش‌های کیفی برای استنتاجات علی نیز مانعی وجود ندارد» (شادیش و دیگران، ۲۰۰۲). «به‌رغم کاربرد پژوهش کیفی در ارائه توضیحات علی، توجه به این نکته نیز ضروری است که شناسایی اثرات علی

**کتاب حاضر رویکردی فراگیر به
موضوع پژوهش کیفی دارد و
می‌کوشد به‌صورت متوازن به
انواع روش‌ها در پژوهش کیفی و
جنبه‌های آنان بپردازد**

مکالمه^۸ و تحلیل گفتمان یا تحلیل سخن^۹ و هرمنوتیک نیز به‌عنوان شیوه‌های دیگر تحلیل داده‌ها تشریح شده‌اند. فصل ششم نیز به فنون گزارش پژوهش کیفی اختصاص دارد.

کتاب همچنین شامل دو واژه‌نامهٔ ارزشمند فارسی به انگلیسی و انگلیسی به فارسی و نیز یک نمایهٔ موضوعی است. این دو بخش در تألیفات مشابه در کشور ما کمتر دیده می‌شود. کتاب‌شناسی مبسوط اثر نشانهٔ جست‌وجوی گسترده‌دامن مؤلف در ادبیات پژوهشی است. عمدهٔ منابع او انگلیسی‌اند و تعداد قابل توجهی از آنها به‌نحوی با کتابداری و اطلاع‌رسانی مربوط هستند.

نگارندهٔ این سطور متخصص روش تحقیق کیفی نیست و فقط با یک رویکرد از رویکردهای روش تحقیق کیفی موسوم به نظریهٔ زمینه‌ای^{۱۰} آشناست. از این‌رو خود را صاحب‌نظر دربارهٔ بررسی جایگاه کتاب حاضر در میان کتاب‌های این موضوع به زبان فارسی نمی‌داند. اما می‌تواند بگوید که کتاب حاضر رویکردی فراگیر به موضوع پژوهش کیفی دارد و می‌کوشد به‌صورت متوازن به انواع روش‌ها در پژوهش کیفی و جنبه‌های آنان بپردازد. مؤلف خود در مقدمه به این معنا اشاره دارد. چنانکه ضمن اشاره به موجز بودن اثر، می‌گوید «مباحثی مانند راهبردهای پژوهش کیفی و برخی روش‌های تحلیل داده‌ها» را به‌اختصار برگزار کرده است؛ مباحثی که به‌گفتهٔ وی «هریک می‌تواند موضوع کتاب جداگانه‌ای باشد». با وجود این اظهار امیدواری کرده است که حاصل کارش «منبع مناسبی برای استفادهٔ پژوهشگران علاقه‌مند به مطالعات کیفی در زمینه‌های مختلف اجتماعی

هر نوشته‌ای، با هر موضوعی، یک روایت است که راوی‌ای دارد و مخاطبی، گوینده داستانی دارد و شنونده داستانی که باید مخاطب را به دنبال خود بکشد



از طریق روش‌های کیفی مخاطرات خاص خود را دارد و توجه و دقت کافی لازم است تا اعتبار پژوهش محفوظ بماند» (ماکسول ۲۰۰۴، ص ۲۶۰).

«یکی از بزرگ‌ترین مخاطرات که تحلیل‌گران کیفی را تهدید می‌کند، این است که این پژوهشگران، در تفسیرهایشان درباره علل، نتایج و روابط به پیش‌فرض‌های خطی تحلیل‌های کمی بازگشت کنند و براساس متغیرهای مجزائی که خارج از زمینه [= متغیرهای مجزای خارج زمینه]^{۱۱} و به‌طور مکانیکی با یکدیگر پیوند یافته‌اند [= پیوند مکانیکی]، به تفسیر علل بپردازند» (پانون، ۱۹۹۰). «چنانکه پیش‌تر نیز اشاره شد، مایلز و هوبرمن (۱۹۸۴) بر این تأکید دارند که هدف پژوهش کیفی به‌جای اینکه کشف قوانین کلی از طریق پیوند میان متغیرهای مجزا باشد، ادراک علیت موضعی و زمینه‌مدار است و تنها می‌تواند براساس توضیحات معتبر متکی بر زمینه‌های ویژه، به ارائه مدل‌های عمومی بپردازد» (ص ۱۱-۱۰).

در پاره فوق ده - دوازده مفهوم انتزاعی آمده است که بعید است دانشجویان دوره‌های تکمیلی و تازه‌کاران، اگر مخاطبان هدف این کتاب باشند، معنا و مصادیقی برای آنها برشمارند و بتوانند بدون توضیح و شرح کافی معنای ملموسی برای این مفاهیم در ذهن بپورانند. این توضیحات را آنها چه زمانی و از چه کسی باید انتظار داشته باشند؟ آیا واقعاً نویسنده انتظار دارد که معانی این مفاهیم مجرد در خزانه دانش پایه خوانندگان این کتاب باشد؟

تعدد مفاهیم مجرد بدون تبیین آنها و کثرت ارجاعات، موجب می‌شود که متن از حالت یک متن درسی برای نوآموزان خارج شود و بیشتر به شکل یک گزارش برای متخصصان درآید، این‌گونه مطالب بیشتر مناسب مجلات علمی است نه یک متن آموزشی. برای متن آموزشی لازم است که رشته روایت در دست نویسنده باقی بماند. ممکن است استفاده از ترکیب «رشته روایت» برای نوشته‌ای در موضوع روش تحقیق در نزد برخی نامناسب تلقی شود و این تعبیر را برای ادبیات داستانی مناسب بدانند. ولی خوب

است بدانیم هر نوشته‌ای، با هر موضوعی، یک روایت است که راوی‌ای دارد و مخاطبی، گوینده داستانی دارد و شنونده داستانی که باید مخاطب را به دنبال خود بکشد.

این امر نزد هر که ناپذیرفتنی باشد، نزد پژوهشگر کیفی کاری پذیرفتنی است؛ چه دست‌کم در روش‌شناسی کیفی «روایت» یک مفهوم کلیدی است؛ داده‌ها^{۱۲} در پژوهش کیفی روایت‌هایی است که بر زبان اشخاص می‌رود یا به دنبال مشاهدات پژوهشگر در جهان واقعی بر قلم او می‌آید و به آن یادداشت میدانی^{۱۴} می‌گویند؛ «یادداشت‌های تحلیلی»، یا به تعبیر جالب نویسنده «تذکارها»^{۱۵} نیز روایت‌هایی هستند که پژوهشگر با تأمل بر داده‌هایش تهیه می‌کند؛ و درنهایت، گزارش پژوهش او نیز روایتی است که وی از حاصل کار خود به خواننده تحویل می‌دهد.

کتاب حاضر در هیئت امروزش تنها برای کسانی می‌تواند آسان‌خوان باشد که با مفاهیم متعددی که در آن بی‌توضیح آمده، از قبل عمیقاً آشنا باشند

اخیراً منطق‌شناس و شاعر معاصر، ضیاء مؤحد رساله‌ای در باب شگردهای نوشتن مقاله منتشر کرده است که در بخشی از آن تکنیک برقراری ارتباط منطقی بین جمله‌های یک بند و بندهای یک مقاله را به خوبی نشان داده است. علاوه بر آن وی در سراسر این رساله ظرائف و فوتوفن‌های به‌دست‌دادن یک نوشته منسجم و خوش‌خوان را با مثال‌های متعدد بیان کرده است.^{۱۷}

بگذارید یک شاهد در اهمیت بیان روایی در انتقال دانش از ادبیات مدیریت دانش بیاورم. ادبیاتی که این روزها موردتوجه بسیاری از محافل، از جمله گروهی از علمای رشته کتابداری نیز هست. در یک کتاب برجسته از دو نویسنده بنام در موضوع مدیریت دانش آمده است: این معنا که انسان از قصه می‌آموزد و بیشتر روایی فکر می‌کند تا استدلالی بر هر کس که تدریس می‌کند، همواره به شهود معلوم است. در ادامه می‌افزایند که پژوهش‌های اخیر، از جمله در موضوع انتقال دانش در رشته اقتصاد و در رفتار سازمانی، الهیات، و حقوق نشان داده است که دانش از راه روایت قانع‌کننده است که به مؤثرترین وجه منتقل می‌شود؛ روایتی که با متانت لفظ و پرشور بیان شود.^{۱۸}

بخش‌های مهمی از کتاب برای دانشجویان و تازه‌کاران به‌سختی قابل‌فهم است، مگر آنکه شارحی همواره در اختیار این دسته خوانندگان باشند تا مفاهیم نامأنوس را برای آنان توضیح دهد. در نتیجه، کتاب حاضر در هیئت امروزش تنها برای کسانی می‌تواند آسان‌خوان باشد که با مفاهیم متعددی که در آن مطرح شده، از قبل عمیقاً آشنا باشند و این آشنایی زبان سرد «آکادمیک» کتاب را جبران کند. بدین ترتیب، بهتر می‌توان دقت نویسنده کتاب حاضر را در انتخاب «پژوهشگران علاقه‌مند به مطالعات کیفی در زمینه‌های مختلف اجتماعی» به‌عنوان مخاطبان اصلی خود تحسین کرد و دریافت که مخاطبان او در درجه اول باید «پژوهشگر» و پس از آن «علاقه‌مند به مطالعات کیفی» باشند.

اما اگر قصد آشناساختن و یاددادن نحوه به‌کارگیری



روایت، اعم از داستانی یا غیرداستانی، برای آنکه شنونده یا خواننده را به‌دنبال خود بکشاند، لازم است یکپارچه و منسجم باشد. منظور از یکپارچگی و انسجام (=روایی) آن است که بین پاره‌های آن به‌صراحت یا به‌صورت ضمنی پیوندهایی باشد که ذهن مخاطب در مسیر آن به‌حرکت درآید و «روان» شود. در ادبیات غیرداستانی و اخباری، مانند کتاب حاضر، این پیوند عقلی است؛ در ادبیات داستانی و به‌تعبیر عام‌تر «آفرینشی»^{۱۹}، این پیوند می‌تواند عاطفی و هیجانی نیز باشد و مثلاً بر تداعی استوار باشد («نظم پریشان» حافظ و بسیاری شعرها دارای این نوع پیوند هستند و همین پیوندهای نهفته است که خواندن و بازخوانی و کشف آنها، این اشعار را لذت بخش می‌کند).

در کشور ما رویکرد به ادبیات پژوهش‌های کیفی پدیده‌ای نوظهور است و حاکی از آگاهی بخش‌هایی از جامعه پژوهشی کشور از محدودیت‌های پژوهش‌های کمی است



روش‌های تحقیق کیفی باشد، نیاز به پیش‌گرفتن زبانی آشنا و نرم ناگزیر است. زیرا اگر زبان آکنده از مفاهیمی باشد که مخاطب از آنها چندان سردرنیورد و ما هم درباره آنها توضیح ندهیم، چگونه می‌خواهیم او را تعلیم دهیم و قانع کنیم؟ هرگاه زبان خشک و بی‌مثال و تمثیل به‌کاربریم و پیام‌هایمان تنها مفاهیم باشند، تا چه حد می‌توانیم انتظار داشته باشیم که انسانی را که دانش را هم از قصه بهتر می‌آموزد و بیشتر روایی فکر می‌کند تا استدلالی، به‌دنبال خود بکشیم؟

ممکن است بگویید متن آموزشی روش تحقیق و مثال و تمثیل؟! اجازه بدهید شما را به یک متن روش تحقیق کیفی ارجاع دهم که در همین کتاب چندبار به آن ارجاع شده است. این متن به قلم آنسلم اشتراوس و جولیت کربین است. اشتراوس یکی از دو پدر معنوی رویکرد پژوهش کیفی، موسوم به نظریه زمینه‌ای است که در دهه ۱۹۶۰ پرورده شد. از این کتاب دانشجویان تکمیلی در دانشگاه‌های انگلیسی‌زبان بسیار استفاده می‌کنند.^{۱۹} این متن سرشار از مثال‌ها و حتی تمثیل‌ها و حکایت‌های کوتاه^{۲۰} برای روشن‌سازی مطلب است. به‌علاوه، گام‌به‌گام دانشجوی و پژوهشگر تازه‌کار را مخاطب قرار می‌دهد و نحوه عمل را در هرگام برای او بیان می‌کند. زبانش نیز هم عالمانه و در عین حال گرم و برانگیزاننده است. ترجمه و ویرایش نخست این کتاب به فارسی موجود است.^{۲۱} مترجم آن خود نیز یک کتاب، به‌تعبیر خود، مقدماتی برای دانشجویان تألیف کرده است (محمدی، ۱۳۸۷، ص ۱۳). او نیز در نوشتن کتاب خود زبانی نرم و روان و همراه با مثال پیش گرفته است.

به‌کار گرفتن زبان و بیان جذاب برای بیان مفاهیم انتزاعی در فرهنگ ما نه‌تنها بی‌سابقه نیست، بلکه برخی از برجسته‌ترین مثال‌های آن را در زبان خود داریم. مثنوی معنوی مولوی، گلستان سعدی، و کلیله و دمنه در مقام متون تعلیمی از نمونه‌های برجسته در زبان ما هستند.

سؤالی که باقی می‌ماند این است که در حالی که اتکای بیش از حد بر نوشته‌های دیگران بر انسجام

نوشته، و به‌تبع آن، بر رسیدن پیام به خواننده اثر منفی می‌گذارد، چه می‌شود که نویسنده خود را ناچار به این اتکا می‌یابد؟ با وجود اینکه می‌دانیم اتکای بیش از حد به نوشته‌های دیگران، یعنی سپردن عنان سخن به دیگران.

چند نکته دیگر

نخست آنکه در حالی که عنوان کتاب به رشته خاصی اشاره نمی‌کند، بیشتر مثال‌ها به کتابداری و اطلاع‌رسانی مربوط می‌شود. در فصل یکم صفحات چندی از کتاب، به مناسب‌بودن پژوهش کیفی برای کتابداری و اطلاع‌رسانی (ص ۱۲-۱۶) پرداخته است، در صورتی که برای کتابی که عنوان عام دارد، تأکید بر یک رشته خاص توجیه ندارد.



(بنگرید به: پانویس ۴) ترجمه کرده‌اند.

اما برخی از معادل‌های کتاب حاضر جای تجدیدنظر دارند. یکی از اینها «پیشروگرایی» برای *progressivism* است که به اعتبار معنایش بهتر است «پیشرفت باوری» ترجمه شود؛ واژه دیگر «درونی» برای *intrinsic* می‌باشد که بهتر است «ذاتی» نوشته شود. اصطلاح سوم «سازنده‌گرایی» است برای اصطلاح مهم *constructionism* یا *constructivism* می‌باشد. این مفهوم که به صورت *social constructionism* نیز رایج است، رساننده این معناست که حقایق اجتماعی را بشر خود فعالانه و خلاقانه تولید می‌کند. در این رویکرد جهان انسانی ساخته و پرداخته و اختراع خود اوست، نه آنکه از جایی به او داده باشند. جهان‌های اجتماعی آدمیان شبکه‌های بهم‌بافتۀ تفسیرهای افراد و گروه‌ها هستند و پس در واقع جهان اجتماعی انسان‌ها «جعل»/«برساخته» خود آنهاست. از این رو یکی از مترجمان واژه «برساخت‌گرایی» را به کار برده است (اووه، ۱۳۸۷، ص ۲۳).

نکتۀ سوم نوشتن ارجاعات درون‌متنی به منابع با الفبای لاتینی به الفبای فارسی است. به‌تازگی در نوشته‌های دانشگاهی ما رسم شده است که مترجمان و نویسندگان متن‌های فارسی به‌هنگام ارجاع درون‌متنی به منبع خارجی،

آنکه با توجه به نبودن روش‌شناسی کیفی در ادبیات فارسی، مترجمان و نویسندگان این عرصه با دشواری یافتن معادل‌های رسا برای اصطلاحات آن مواجه هستند

امیدوارم در ویرایش بعدی این موضوع اصلاح شود. دیگر آنکه با توجه به نبودن روش‌شناسی کیفی در ادبیات فارسی، مترجمان و نویسندگان این عرصه با دشواری یافتن معادل‌های رسا برای اصطلاحات آن مواجه هستند. مؤلف این کتاب برخی از معادل‌های خوب را عرضه کرده است. مثل «تذکار» برای (memo) = یادداشت‌های حاوی تأملات پژوهشگر که حاصل مرور یادداشت‌های میدانی است، دیگران آن را یادداشت نظری، و یادداشت تحلیلی نیز گفته‌اند (همان، ص ۹۳) معادل دیگر «یادداشت تحلیلی» است. معادل مناسب دیگر «نظریه قائم‌بذات» برای *substantive theory* است. مورد دیگر انتخاب معادل برای رویکردی است که در انگلیسی *Grounded Theory* نام دارد. برخی، مانند مؤلف کتاب حاضر آن را «نظریه زمینه‌ای»، و برخی «نظریه مبنایی»

۱۲. خط زیر برخی از مطالب از نگارنده مقاله حاضر است.

13. Data

14. Field note

15. Memo

16. Creative

۱۷. موحد، ضیاء، البته واضح و مبرهن است که ... رساله‌ای در مقاله‌نویسی. تهران: نیلوفر. ۱۳۸۷. ۲۲۴ص. شابک:

۹۷۸-۹۶۴-۴۴۸-۳۸۵-۵

18. Davenport, Thomas; Prusak, Laurence (1998)

Working Knowledge: how organizations manage what they know. Boston, Mass., Harvard Business School Press, p. 81

19. Anselm Strauss & Juliet Corbin. (1998). Basics

of Qualitative Research: techniques and procedures for developing grounded theory, Los Angeles: Sage.

20. Anecdotes

۲۱. آنسلم استراوس و جولیت کوربین (۱۳۸۷). اصول

روش تحقیق کیفی؛ نظریه مبنائی؛ رویه‌ها و شیوه‌ها. تهران:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۲۶۴ ص.

آن را به فارسی می‌نویسند و سپس صورت اصلی را در پانویس می‌آورند. این کار عبث و متکلفانه و زحمت‌افزاست، زیرا اولاً ضبط‌های فارسی چندگانه یک نام را به‌دست مترجمان و مؤلفان مختلف ممکن می‌سازد؛ ثانیاً در این صورت یا باید به‌صورت مکرر در پای هرصفحه که به اثری ارجاع داده می‌شود، صورت لاتینی آن نوشته شود، در غیر این صورت خواننده را برای یافتن آن در صفحه‌های مختلف سرگردان کرد.

نکته قابل اصلاح دیگر آن است که در موارد متعدد در هنگام ارجاع به نکات خاص در کتاب‌ها صفحه ذکر نشده است (بنگرید به: ص ۱۲۲-۱۲۸). این کار نیز اصلاً قابل توجیه نیست. زیرا مقابله طلب نقل شده را با متن اصلی را کم و بیش غیرممکن می‌کند.

امیدوارم مؤلف سختکوش و صمیمی این موارد را سازنده در نظر گرفته و به‌کارستن آنها را برای بهترساختن محصول کار خود در ویرایش بعدی اثرش قابل تأمل بداند.

پی‌نوشت‌ها:

* e_afshar@hotmail.com

1. John Budd

2. case study

3. ethnography

4. ethno- methodology

5. phenomenology

6. theory grounded

7. action research

8. conversation analysis

9. discourse analysis

10. Grounded Theory

۱۱. مطالب داخل گروه از سوی نگارنده متن حاضر (منتقد)

اضافه شده است.

ماخذ

۱. بهمن‌آبادی، علیرضا(به‌کوشش)(۱۳۸۱). مبانی و تاریخچه و فلسفه علم اطلاع‌رسانی: گزیده مقالات، تهران: کتابخانه ملی ایران.

۲. بیوک محمدی (۱۳۸۷). درآمدی بر روش تحقیق کیفی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۳. فلیک اووه (۱۳۸۷). درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه: هادی جلیلی، تهران: نشر نی